

دو فصلنامه علمی کتاب قیم
سال نهم (۱۳۹۸)، شماره بیست و یکم

تحلیل اصل «حکمت» در اندیشه قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای

روح الله داوری^۱

محمدتقی دیاری بیدگلی^۲

چکیده

موضوع سیاست خارجی به‌طور عام و اصول سیاست خارجی به‌طور خاص، در آموزه‌های قرآن کریم قابل پی‌جویی است؛ از این‌رو می‌توان آنچه امروزه در سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی دنبال می‌شود را با آیات قرآن کریم سنجید. در این پژوهش با استفاده از روش‌های تحلیل محتوا و معنی‌شناسی، اصل «حکمت» در اندیشه سیاسی و قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای مبنای تحلیل و تبیین قرار گرفته است. نخست پس از تحلیل اصل حکمت در قرآن و گردآوری مقولات و مؤلفه‌های این اصل، در گام پسین، آنها را با مقولات و نتایج حاصل از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای مقایسه کرده، شباهت‌ها، تفاوت‌ها و میزان تناظر آنها سنجیده شده است.

بر اساس یافته‌های پژوهش، حکمت قرآنی و حکمت در سیاست خارجی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای جدای از یکدیگر نیستند؛ زیرا کسی که بهره‌ای از حکمت قرآنی داشته باشد، اندیشه او مستحکم می‌شود و چنین کسی در سیاست خارجی بر اساس خرد عمل می‌کند نه بر اساس احساسات. همچنین فرد حکیم از نظر قرآن، حقایق عالم را درک می‌کند و به مصالح و منافع آگاه است و مسلماً چنین کسی در سیاست خارجی به منافع و شرایط لازم و بهره‌هایی که باید از رابطه با دنیا گرفت، آگاه است. واژگان کلیدی: اصل حکمت، تفسیر سیاسی، اندیشه قرآنی، آیت‌الله خامنه‌ای، سیاست خارجی.

۱. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه قم (نویسنده مسئول) / rdavari68@gmail.com

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم / mt_diari@qom.ac.ir

۱- طرح مسأله

یکی از موضوعاتی که دین مبین اسلام به آن اهمیت داده، چگونگی رابطه دولت اسلامی با دیگر دولت‌ها و به عبارتی سیاست خارجی است؛ اصول سیاست خارجی دولت اسلامی باید بر اساس آموزه‌های اسلام بنا نهاده شود و مجریان دولت بر این اساس، رابطه دولت اسلامی را با دیگر دولت‌ها تنظیم نمایند. از سوی دیگر، یکی از اصول بسیار مهمی که در سیاست خارجی مطرح و حائز اهمیت است، اصل «حکمت» است. اصلی که در دوران نظام جمهوری اسلامی ایران مورد توجه فراوان قرار گرفته و رهبر معظم انقلاب اسلامی در کنار دو اصل عزت و مصلحت به این اصل اشاره می‌کند.

با توجه به توضیحات فوق، مقاله حاضر درصدد پاسخ به این سؤال اصلی است: اصل حکمت در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای چگونه قابل تحلیل است و مبانی قرآنی آن چیست؟

۲- پیشینه پژوهش

در باره موضوع حکمت، آثاری نگارش یافته است؛ مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. برنجکار، رضا؛ «مفهوم حکمت در قرآن و حدیث»؛ مطالعات تاریخی قرآن و حدیث (مجموعه مقالات صحیفه مبین)، ش ۴، زمستان ۱۳۷۹ ش.

نویسنده در این پژوهش به بررسی مفهوم حکمت در قرآن، حدیث و آراء مفسران پرداخته و معتقد است حکمت در قرآن به معانی مختلفی از جمله: عقل، فهم، قضا، شناخت دین، اطاعت از خدا و اصول اخلاقی تفسیر شده است.

۲. خسروپناه، عبدالحسین؛ «چیستی حکمت در قرآن، روایات و فلسفه»؛ مشکوة، ش ۱۰۳، تابستان ۱۳۸۸ ش.

این مقاله با بررسی چیستی حکمت در مکاتب مشاء، اشراق و متعالیه و تعاریف گوناگون فلسفه اسلامی و ماهیت حکمت در متون اسلامی به‌ویژه آیات قرآنی به این نتیجه رسیده است که حکمت در قرآن هم جنبه نظری و هم جنبه عملی دارد. حکمت نظری به حوزه عقاید و بینش‌ها و حکمت عملی به اعمال فردی و اجتماعی می‌پردازد.

۳. شاکر، محمدکاظم؛ «نگاهی دیگر به معناشناسی کتاب و حکمت»؛ پژوهش دینی، ش ۳، زمستان ۱۳۸۰ ش.

در این مقاله ذکر توأمان دو واژه کتاب و حکمت در قرآن کریم بررسی و تحلیل شده است. نویسنده پس از بررسی معنای لغوی و کاربردی این دو واژه به این نتیجه رسیده است که کتاب،

به‌عنوان قوانین الزام‌آور ادیان آسمانی و حکمت به‌عنوان عنصر فراتر از شرایع و در تعامل با آن مطرح شده است.

۴. سلیمانی، مرضیه؛ امانی، رضا؛ همتی، سیده نرگس؛ «معناشناسی واژه حکمت در قرآن کریم با تکیه بر نظریه حوزه‌های معنایی»؛ نخستین همایش ملی واژه‌پژوهی در علوم اسلامی، ۱۳۹۵ ش.

نویسندگان در این مقاله به حوزه معنایی حکمت بر محور هم‌نشینی و جانیشینی پرداخته‌اند. بر اساس محور هم‌نشینی واژگان عزیز، علیم، کتاب، موعظه حسنه، فصل الخطاب و قرآن و بر اساس محور جانیشینی واژگان علم، بصیرت، خبیر، تعقل و تدبیر، بررسی و تحلیل شده‌اند. نویسندگان بر اساس محور هم‌نشینی به این نتیجه رسیده‌اند که این هم‌نشینی موجب شده معنای حکمت در آیه با واژه هم‌نشینی متناسب شود، به‌عنوان نمونه واژه حکمت در ۱۰ آیه با واژه کتاب هم‌نشین شده است. در این هم‌نشینی واژه حکمت به معنای قوانین و مقرراتی است که کامل‌کننده کتاب است و کتاب بدون آن ناقص است.

در این آثار مفهوم حکمت در آیات قرآن کریم، احادیث، مکاتب مختلف فلسفی و همچنین حوزه معنایی حکمت بر محور هم‌نشینی و جانیشینی در قرآن تبیین شده است، اما اثری جامع مشتمل بر تحلیل اصل حکمت در اندیشه سیاسی و قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای و شبکه معنایی حکمت در اندیشه ایشان به رشته تحریر درنیامده است. بر این اساس این مقاله از این لحاظ دارای نوآوری است.

برای تحلیل و بررسی اصل حکمت در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی، پس از بررسی مفهوم حکمت به بررسی حکمت قرآنی و حکمت در سیاست خارجی در اندیشه ایشان پرداخته، آنگاه شبکه معنایی حکمت در اندیشه ایشان تحلیل می‌شود؛ در پایان نیز به بازشناسی حکمت در قرآن پرداخته شده و مشخص می‌گردد که حکمت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای به چه میزان با حکمت در قرآن کریم تناظر دارد و به چه میزان بر اساس مبانی قرآنی است؟

۳- مفاهیم

۳-۱- مفهوم «اصل»

اصل به معنای اساس شیء (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۰۹)، ریشه و پایه است (قرشی بنابی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۸۸). از باورها و قواعد کلی که مسائل فرعی‌تر از آن‌ها استنتاج می‌شود و

چارچوب رفتاری سیاست خارجی دولت اسلامی را تعیین می‌کند و همواره توجه و پای‌بندی بدان لازم است، به‌عنوان «اصل» یاد می‌شود (حقیقت، ۱۳۸۵، ص ۳۰).

۳-۲- مفهوم «سیاست خارجی»

در رابطه با مفهوم سیاست خارجی، بعضی معتقدند این مفهوم در هر کشور عبارت است از: «راهبرد یا رشته طراحی شده عمل که به‌وسیله تصمیم‌گیرندگان یک دولت در مقابل دیگر دولت‌ها و واحدهای بین‌المللی به‌منظور اهداف مشخص اعمال می‌شود» (Plano, 1988, p. 6). بر اساس تعریفی دیگر، سیاست خارجی یعنی «تدوین، اجرا و ارزیابی تصمیم‌گیری‌هایی که از دیدگاه خاص همان کشور جنبه برون‌مرزی دارد.» (کاظمی، ۱۳۷۲، ص ۴۲). در واقع جهتی را که یک دولت در روابط خارجی خود برمی‌گزیند و در آن از خود تحرک نشان می‌دهد و نیز شیوه نگرش دولت را نسبت به جامعه بین‌المللی، سیاست خارجی می‌گویند (محمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۳).

از آنجاکه سخن از اصول سیاست خارجی در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی به‌مثابه اصول سیاست خارجی از منظر اسلام است، باید گفت که مطالعه و بررسی اصول سیاست خارجی اسلام بر مفروضات چندی استوار است:

۱. سیاست خارجی، یکی از بخش‌های اساسی سیاست در معنای کلان آن است؛ بنابراین اگر دین به مسائل سیاسی پرداخته، به مسائل سیاست خارجی نیز پرداخته است.
۲. سیاست خارجی مجموعه‌ای از مسائل سیاسی مرتبط به حوزه خارجی است و از دو بخش به نسبت ثابت و متغیر برخوردار است؛ قسمت ثابت آن بیشتر بر آموزه‌های نظری، نظام ارزشی و ایدئولوژی حاکم مبتنی است و عناصر متغیر سیاست خارجی هم به خط‌مشی‌هایی ناظر است که با اوضاع و شرایط، تنظیم و تدوین متناسب می‌شود.
۳. اسلام دو بخش ثابت و متغیر دارد: بخش ثابت آن به اصول و مبانی کلی رفتار دین‌داران ناظر است و در طول زمان، بقا و ماندگاری دارد؛ اما جنبه متغیر آن از عرف و ضرورت‌های زمانه اثر می‌پذیرد (عبدالخالق، ۱۹۹۸، صص ۱۱-۳۵).

۳-۳- مفهوم حکمت

حکمت از ریشه «حکم»، در عربی از واژگان پرکاربرد و دارای مشتقات فراوان است؛ لغت‌شناسان برای این ماده معانی متعددی ذکر کرده‌اند که می‌توان آن‌ها را در سه دسته کلی جای داد:

الف) معنای محور دانایی، شامل: «حِکْمَة» و «حُکْم» به معنای دانایی و «حکیم» به معنای دانا و عالم.

ب) معنای محور داوری کردن، شامل: «حَکَمَ» به معنای قضاوت و داوری، «حاکم» و «حَکَمَ» به معنای داور، «حاکمه الی الحکم» به معنای فراخواندن طرف دعوا نزد داور.

ج) معنای محور منع کردن، شامل: «حَکَمْتُ»، «أَحْکَمْتُ» و «حَکَمْتُ» به معنای منع کردن و بازگرداندن؛ «أَحْکَمَ الْأَمْرَ» به معنای اینکه کار را با اتقان و محکم‌کاری انجام دادن؛ «حَکَمَ الشَّيْءَ» و «أَحْکَمَهُ» به معنای اینکه چیزی را از فساد و تباهی بازداشتن (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، صص ۱۴۰-۱۴۱ / فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، صص ۶۶-۶۷).

بعضی از لغویان معتقدند اصل واژه «حکم» به معنای منع برای اصلاح است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۴۸) و این معنا در تمام موارد صادق است. مثلاً قضاوت و داوری که یکی از معانی آن است در حقیقت منع از فساد و برای اصلاح است (قرشی بنابی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۶۱) و حکم قاضی، رأی قطعی اوست که مانع از نزاع و ظلم می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۹۱). با توجه به توضیحات فوق در رابطه با معنای واژه «حِکْمَة» می‌توان به دست آورد که حکمت، رسیدن به حق به واسطه علم و عقل است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۴۹) و به عبارتی حکمت، یک حالت و خصیصه درک و تشخیص است که شخص به وسیله آن می‌تواند حق و واقعیت را درک کند و مانع از فساد شود و کار را متقن و محکم انجام دهد؛ بنابراین حکمت حالت نفسانی و صفت روحی است نه شیء خارجی، بلکه شیء محکم خارجی از نتایج حکمت است. حکیم نیز به معنای محکم‌کار است، یعنی کسی است که کار را از روی تشخیص و مصلحت انجام دهد (قرشی بنابی، ۱۳۷۱، ج ۲، صص ۱۶۳-۱۶۴).

۴- روش تحقیق

در این پژوهش که به دنبال تحلیل اصل حکمت و مبانی قرآنی آن در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای هستیم، از روش تحلیل محتوا (Content Analysis) و روش معنی‌شناسی

(Semantics) استفاده شده که در ابتدا به معرفی این روش‌ها پرداخته و سپس با بیان دلایل خود، نوع روش و فن مناسب برای انجام این پژوهش معرفی می‌شود.

۴-۱- معرفی روش تحلیل محتوا

«تحلیل محتوا» روشی است که بتوان بر اساس آن، خصوصیات زبانی یک متن گفته یا نوشته شده را به‌طور واقع‌بینانه یا عینی و به‌طور سامانمند، شناخت و از آن‌ها نیز درباره مسائل غیرزبانی یعنی درباره خصوصیات فردی و اجتماعی گوینده یا نویسنده و نظرات و گرایش‌های وی، استنتاج‌هایی نمود (رفیع پور، ۱۳۸۴، ص ۱۰۹).

لورنس باردن (Laurence Bardin) در رابطه با این روش اشاره می‌کند که «تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به‌منظور تفسیر و تحلیل محتوا است و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از قرار دادن اجزای یک متن (کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و امثالهم برحسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند.» (باردن، ۱۳۷۵، ص ۲۹)

در حقیقت تحلیل محتوا در رابطه با متنی معنا پیدا می‌کند که آن متن برای انتقال پیام و مفاهیمی نوشته شده باشد؛ لذا تحلیل محتوا در مورد کلمات عامیانه‌ای که دارای مفاهیم ساده بدیهی و مشخصی هستند به کار نمی‌رود.

در نظر گرفتن این نکته ضروری است که تحلیل محتوا تنها یک ابزار است؛ «تحلیل محتوا تکنیکی پژوهشی است برای استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده‌ها در مورد متن آن‌ها. تحلیل محتوا به‌مثابه تکنیکی پژوهشی، شامل شیوه‌های تخصصی در پردازش داده‌های علمی است. هدف تحلیل، مانند همه تکنیک‌های پژوهشی، فراهم آوردن شناخت، بینشی نو، تصویر واقعیت و راهنمای عمل است. تحلیل محتوا فقط ابزار است و بس» (کرپیندورف، ۱۳۷۸، ص ۲۵)

به‌طور کلی هدف غالب تحلیل محتواهایی که انجام می‌شوند پاسخ‌گویی به سؤال‌هایی است که با مواد مورد تجزیه تحلیل ارتباط مستقیم دارند. در این تحلیل‌ها اطلاعات معینی طبقه‌بندی می‌گردند و به جدول‌های ساده‌ای تبدیل می‌شوند.

۴-۲- معرفی روش معنی‌شناسی

یکی دیگر از روش‌هایی که در این پژوهش استفاده شده، روش معنی‌شناسی است. دانش معنی‌شناسی امکان مطالعه چگونگی تولید معنا را فراهم می‌آورد. معنی‌شناسی که شاخه‌ای از

زبان‌شناسی است، مطالعات آن در سه شاخه عمده صورت گرفته است: معنی‌شناسی فلسفی، معنی‌شناسی منطقی و معنی‌شناسی زبانی.

آنچه در اینجا مورد نظر است معنی‌شناسی زبانی است که اصطلاح آن از واژه فرانسوی «Semantique» گرفته شده و برای اولین بار از سوی برنال^۱ (Michel Bréal) شناسانده شده است. معنی‌شناسی زبانی را می‌توان مطالعه انتقال معنی از طریق «زبان» - که همان نماد معنی است - معرفی کرد (نک: کرمانی، ۱۳۹۱، ص ۹).

واحد‌های مطالعه این نوع معنی، «واژه» و «جمله» است. معنی‌شناس با مطالعه معنی به دنبال کشف چگونگی عملکرد ذهن انسان در درک معنی از طریق زبان است و در اصل، بازنمودهای ذهن آدمی را بازمی‌کاود و نیازی به اطلاعات خارج از زبان ندارد (صفوی، ۱۳۷۹، ص ۲۸). این دانش می‌تواند از مباحث جدید و مفید در حوزه تفسیر باشد. ایزوتسو این مبانی را برای فهم معانی قرآن به کار برد. نخستین نکته‌ای که ایزوتسو در مقدمه کتاب «خدا و انسان در قرآن» می‌گوید این است که کلمه قرآن در «معنی‌شناسی قرآن» باید به معنای جهان‌بینی قرآنی یعنی طرز نگرش قرآن نسبت به جهان در نظر گرفته شود. معنی‌شناسی قرآن به صورت عمده با این مسأله سروکار دارد که از دیدگاه این کتاب آسمانی، جهان هستی چگونه ساخته شده و اجزاء سازنده عمده جهان چه چیزهایی هستند؟ و ارتباط آن‌ها با یکدیگر چگونه است؟ او می‌افزاید هدف ما عبارت از آن است که با تحقیق تحلیلی و روش‌شناختی در مفاهیم عمده، یعنی آن مفاهیمی که نقش قطعی در تشکیل نگرش قرآنی نسبت به جهان دارند، این شکل از وجودشناسی زنده بالنده را استخراج کنیم (نک: ایزوتسو، ۱۳۶۸، صص ۴-۵).

یکی از مباحث مهم این روش، معناداری و بی‌معنایی است و در تفسیر قرآن کریم با واژه‌ها و جمله‌هایی مواجه هستیم که گاه به نظر می‌رسد در ظاهر بی‌معناست، که تنها با بافت مناسب خود معنا پیدا می‌کند و اگر این بافت مناسب مشخص نشود، معنا به خوبی فهم و تبیین نمی‌شود.

۴-۳- تکنیک اتخاذ شده در این تحقیق

پس از مطالعه و بررسی انواع فنون روش تحلیل محتوا، در این تحقیق، فن تحلیل محتوای مضمونی بر مبنای واحد تقطیع جملات به صورت کمی و با تأکید بر کلیدواژگان اصلی اتخاذ شده است. لذا در این پژوهش ابتدا با توجه به کلیدواژگان اصلی، بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در

جداول تحلیل محتوا درج شده و بسته‌های معنایی استخراج می‌شود، سپس همه مفاهیم استخراج شده را جمع‌آوری و مقولات و نتایج حاصل از آن استنباط می‌گردد. در مرحله بعد، مفهوم مورد نظر در قرآن کریم، بازشناسی می‌شود، بدین معنا که مقولات و نتایج حاصل از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای با مقولات و نتایج مفهوم مورد نظر در قرآن کریم، مقایسه و شباهت‌ها و تفاوت‌ها و میزان تناظر آن‌ها سنجیده می‌شود و مشخص می‌گردد بیانات رهبر انقلاب اسلامی به چه میزان بر اساس مبانی قرآنی است؟

۵- اصل حکمت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

در این بخش ابتدا حکمت قرآنی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای را بررسی کرده، سپس دیدگاه ایشان در رابطه با حکمت در سیاست خارجی تبیین و تحلیل می‌شود.

۵-۱- حکمت قرآنی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

با جستجوی واژه حکمت و مشتقات آن در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی مشخص گردید ۵۲ بار این واژه به کار رفته که فقط در ۱۱ مورد مربوط به حکمت در قرآن بوده است. این موارد، بررسی شده و ۱۸ بسته معنایی از آن‌ها استخراج گردیده که این موارد در ادامه به صورت تفصیلی بررسی می‌شود.

جدول شماره ۱

تاریخ	۱۳۶۹/۶/۲۹
عنوان	سخنرانی در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و رؤسای دفاتر نمایندگی ولی فقیه در این نهاد
متن	آن کس که همه جوانب را ملاحظه می‌کند، بعد مثلاً به طبرس و یا به مرزهای غربی و جنوبی ما حمله می‌کند، کجای کارش اشکال دارد؟ آیا در محاسبات مادی‌اش، یک نقطه غلط هست؟ نه، محاسبات مادی تا آنجا که درک فعل و انفعالات مادی به انسان می‌دهد، درست است. روی پول و آدم و ابزار و سیاست و تبلیغ و حمایت‌ها حساب کردن، اجزای یک محاسبه مادی است. همه نوع محاسبه را کردند، ولی آخر سر می‌بینید که در مشتشان هیچ چیز نیست. ...

<p>من تصور می‌کنم، آن چشمی که می‌تواند آن فعل وانفعالات را ببیند، اسمش در اصطلاح اسلامی و قرآنی، عبارت از حکمت است. ﴿وَأَتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصْلَ الْخِطَابِ﴾ (ص: ۲۰ / ۳۸). تا آنجایی که من فهمیدم، حکمت، آن بینشی است که می‌تواند حقایق را ماورای غشای مادی آن ببیند. باینکه من قبل از انقلاب هم سال‌های متمادی خدمت امام بزرگوار و عظیم‌الشأنمان، ارادت و اخلاص داشتم و ایشان را از نزدیک می‌شناختم، اما این نکته را بعد از انقلاب متنبه شدم که امام ما یک مرد حکیم است. در اینجا، حکیم به معنای مصطلح آن یعنی فیلسوف مورد نظر نیست؛ بلکه حکمت به همان معنای واقعی و قرآنی آن که خدای متعال می‌فرماید ما آن را به پیامبران دادیم مورد نظر است.</p>	
<p>حکمت، آن بینشی است که فرد می‌تواند حقایق را ماورای غشای مادی آن ببیند و امام خمینی (ره) نمونه‌ای از فرد حکیم قرآنی بود.</p>	<p>بسته معنایی</p>
<p>۱</p>	<p>کد</p>

جدول شماره ۲

<p>۱۳۶۹/۶/۲۹</p>	<p>تاریخ</p>
<p>سخنرانی در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و رؤسای دفاتر نمایندگی ولی‌فقیه در این نهاد</p>	<p>عنوان</p>
<p>من تصور می‌کنم، آن چشمی که می‌تواند آن فعل وانفعالات را ببیند، اسمش در اصطلاح اسلامی و قرآنی، عبارت از حکمت است. ﴿وَأَتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصْلَ الْخِطَابِ﴾ (ص: ۲۰ / ۳۸). ... در اینجا، حکیم به معنای مصطلح آن یعنی فیلسوف مورد نظر نیست؛ بلکه حکمت به همان معنای واقعی و قرآنی آن که خدای متعال می‌فرماید ما آن را به پیامبران دادیم مورد نظر است.</p>	<p>متن</p>
<p>حکیم در قرآن با حکیم به معنای مصطلح آن یعنی فیلسوف متفاوت است.</p>	<p>بسته معنایی</p>
<p>۲</p>	<p>کد</p>

جدول شماره ۳

تاریخ	۱۳۶۹/۹/۱۴
عنوان	سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران
متن	امام (ره) به معنای واقعی کلمه، یک حکیم بود. خدای متعال، حکمت به همان معنای حقیقی ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ﴾ (لقمان: ۳۱/۱۲) را به این مرد داده بود. او واقعاً بصیرتی داشت. خیلی از چیزهایی که ماها حتی گاهی با دقت نمی‌دیدیم، او آنها را در نگاه عادی مشاهده می‌کرد. حرف‌های او برخاسته از چنین دلی و چنان حکمتی بود.
بسته معنایی	حکمت، نوعی بصیرت است که فرد می‌تواند حقایق را ببیند و امام خمینی (ره) نمونه‌ای از فرد حکیم قرآنی بود.
کد	۳

جدول شماره ۴

تاریخ	۱۳۶۹/۱۰/۲۲
عنوان	بیانات در دیدار با فرماندهان عالی‌رتبه نیروهای نظامی و انتظامی، و اعطای آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح به رئیس ستاد فرماندهی کل قوا
متن	من هر وقت راجع به برخی از اقدامات این بزرگوار ^۱ فکر کردم، دیدم همان حکمتی که قرآن درباره لقمان و سایر پیامبران می‌گوید، به معنای واقعی در این مرد بود. حکیم، یعنی آن کسی که ماورای این ظواهر، چیزهایی را مشاهده می‌کند که چشم‌های عادی و معمولی، از دیدن آن عاجزند.
بسته معنایی	حکیم، یعنی آن کسی که ماورای این ظواهر، چیزهایی را مشاهده می‌کند که چشم‌های عادی و معمولی از دیدن آن عاجزند. و همان حکمتی که قرآن درباره لقمان و سایر پیامبران می‌گوید، به معنای واقعی در حضرت امام خمینی (ره) بود.
کد	۴

۱. مقصود حضرت امام خمینی (ره) است.

جدول شماره ۵

تاریخ	۱۳۷۲/۲/۶
عنوان	بیانات در دیدار مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی سراسر کشور
متن	﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (نحل: ۱۶/۱۲۵). پایه پیشرفت دعوت، این‌هاست: اولاً، حکمت؛ یعنی کلامی که گفته می‌شود، باید حکیمانه باشد. پیغمبران حکمایند، علما حکمایند، مسلمین هم باید هر کدام از حکما باشند؛ پس مبلغ اسلام، باید بیان حکمت کند؛ یعنی کلام حکیمانه بگوید.
بسته معنایی	حکمت یکی از پایه‌های پیشرفت دعوت است؛ و مبلغ اسلام باید کلام حکیمانه بگوید.
کد	۵

جدول شماره ۶

تاریخ	۱۳۷۲/۲/۶
عنوان	بیانات در دیدار مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی سراسر کشور
متن	﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (نحل: ۱۶/۱۲۵). پایه پیشرفت دعوت، این‌هاست: اولاً، حکمت؛ یعنی کلامی که گفته می‌شود، باید حکیمانه باشد. ... حالا این‌که معنای حکمت چیست و کلام حکیمانه چگونه است، بحث دیگری است؛ اما اجمالش، یعنی اینکه صحبت، مبتنی بر مبانی صحیح، عقلانی، متقن و متکی به مدارک باشد. حکمت این است: حرف درست، با ساختار تبیینی دارای اتقان؛ این حکمت است.
بسته معنایی	حکمت یعنی کلامی که مبتنی بر مبانی صحیح، عقلانی، متقن و متکی به مدارک باشد؛ و به عبارتی یعنی حرف درست، با ساختار تبیینی دارای اتقان.
کد	۶

جدول شماره ۷

تاریخ	۱۳۷۵/۲/۲۶
عنوان	بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان، در آستانه «ماه محرم»
متن	قرآن می‌فرماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ﴾ (نحل: ۱۲۵ / ۱۶). حکمت، حکمت، حکمت. اندیشه مستحکم را تعبیر به حکمت می‌کنند. حکمت، که انبیا به آن ممتازند و از آن بندگان برگزیده و صالح است، همان فکر مستحکمی است که هیچ ابزار عقلانی نمی‌تواند آن را نفی کند و از بین ببرد. هیچ استدلال و تجربه‌ای هم نمی‌تواند آن را خشی کند.
بسته معنایی	مقصود از حکمت، اندیشه مستحکم است.
کد	۷

جدول شماره ۸

تاریخ	۱۳۷۵/۲/۲۶
عنوان	بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان، در آستانه «ماه محرم»
متن	شما در قرآن به آیاتی که حکمت را معین می‌کند، بنگرید و ببینید چه چیزهایی است: ﴿ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ﴾ (اسراء: ۳۹ / ۱۷). چیزهایی است که اگر بشریت تا ابد هم تلاش کند نمی‌تواند آن‌ها را رد کند. هیچ منکری، هیچ مغرضی، هیچ معاندی نمی‌تواند در رد آن‌ها بکوشد. حکمت یعنی مستحکم‌ترین افکار و اندیشه‌ها. اینکه حکما، حکمت را «صيرورة الانسان عالما مضاهيا للعالم الحسي» می‌گویند، همان است. یعنی چنان افکار برجسته و مستحکم و غیرقابل خدشه‌ای در روح او -بنده برگزیده و صالح- گسترش پیدا کرده است که خود تبدیل به یک عالم شده است و شما می‌توانید کون را، وجود را و همه گیتی را در سخن او، در اشاره او و در اقدام او مشاهده کنید.
بسته معنایی	حکمت شامل بندگان برگزیده و صالح می‌شود.
کد	۸

جدول شماره ۹

تاریخ	۱۳۷۵/۲/۲۶
عنوان	بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان، در آستانه «ماه محرم»
متن	شرط ناکامی و ناتوانی استکبار این است که در اینجا، همان‌گونه که اسلام فرموده است عمل شود. یعنی: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾ (نحل: ۱۶/۱۲۵). در این صورت، حتی با ابزارهای فساد هم نخواهد توانست کاری کند.
بسته معنایی	یکی از شرایط ناکامی و ناتوانی استکبار، دعوت به دین بر اساس حکمت است.
کد	۹

جدول شماره ۱۰

تاریخ	۱۳۷۶/۱۰/۳
عنوان	بیانات در دیدار با علما و روحانیون در آستانه ماه مبارک رمضان
متن	این تبلیغ دارای سه رکن اصلی است که من مختصراً عرض می‌کنم: یک رکن، منشأ این تبلیغ است؛ یک رکن، هدف این تبلیغ است؛ یک رکن، ابزار و وسایل و شیوه‌های این تبلیغ است. ... عامل سوم، عبارت از روش است. روش‌ها خیلی مهم است. در همین آیه مبارکه ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ﴾ (نحل: ۱۶/۱۲۵)، روش را بیان فرموده است. سخن حکمت‌آمیز، یعنی سخن محکم، سخن غیرمشتبه، سخن غیرموهون و غیرضعیف. حکمت، همه این‌ها را دارد. سخن حکیم است، یعنی هم حکمت‌آمیز است، هم مستحکم است، هم در مقابل متشابه است؛ ﴿بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (نحل: ۱۶/۱۲۵). گفتگو، مذاکره، با ذهن‌ها مواجه شدن، مخاطب قرار دادن دل‌ها و ذهن‌ها، با لسان مبین و با روش برادرانه حرف زدن، بسیار بسیار مهم است.
بسته معنایی	روش تبلیغ دین باید بر اساس حکمت باشد. (سخن حکمت‌آمیز یعنی سخن محکم، سخن غیرمشتبه، سخن غیرموهون و غیرضعیف.)

کد	۱۰
<u>جدول شماره ۱۱</u>	
تاریخ	۱۳۷۶/۱۰/۳
عنوان	بیانات در دیدار با علما و روحانیون در آستانه ماه مبارک رمضان
متن	سخن حکمت‌آمیز، یعنی سخن محکم، سخن غیر مشتبه، سخن غیر موهون و غیر ضعیف. حکمت، همه این‌ها را دارد. سخن حکیم است، یعنی هم حکمت‌آمیز است، هم مستحکم است، هم در مقابل متشابه است؛ ﴿بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (نحل: ۱۶/۱۲۵).
بسته معنایی	مقصود از سخن حکمت‌آمیز، یعنی سخن محکم، سخن غیر مشتبه، سخن غیر موهون و غیر ضعیف.
کد	۱۱

جدول شماره ۱۲

تاریخ	۱۳۸۰/۷/۲۳
عنوان	بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت عید سعید مبعث
متن	مبعث در حقیقت روز برافراشته شدن پرچم رسالتی است که خصوصیات آن برای بشریت، ممتاز و بی‌نظیر است. مبعث در حقیقت پرچم علم و معرفت را برافراشت. بعثت با ﴿اقْرَأْ﴾ شروع شد: ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ (علق: ۹۶/۱) و با ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾ (نحل: ۱۶/۱۲۵) ادامه یافت؛ یعنی دعوت همراه با حکمت. دعوت اسلامی در حقیقت گسترش و پراکندن حکمت در سراسر عالم و در طول تاریخ است؛ همچنان که بعثت، پرچم‌داری و برافراشته شدن پرچم عدل است؛ یعنی در میان مؤمنین، بندگان خدا و آحاد بشر، عدالت استقرار پیدا کند؛ همچنان که رسالت، برافراشتن پرچم اخلاق والای انسانی است.
بسته معنایی	دعوت پیامبر اسلام همراه با حکمت بوده است و اساساً دعوت اسلامی در حقیقت، گسترش و پراکندن حکمت در سراسر عالم و در طول تاریخ است.
کد	۱۲

جدول شماره ۱۳

تاریخ	۱۳۸۵/۵/۳۱
عنوان	بیانات در دیدار کارگزاران نظام، سفرای کشورهای اسلامی و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی به مناسبت روز مبعث پیامبر اعظم (ص)
متن	پیغمبر به یکایک ذهن‌ها و خرده‌ها، دانش و علم را تلقین می‌کرد. ﴿وَيَعْلَمُهمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ (بقره: ۱۲۹/۲). حکمت یک مرتبه بالاتر است. فقط این نبود که قوانین و مقررات و احکام را به آن‌ها بیاموزد، بلکه حکمت به آن‌ها می‌آموخت. چشم‌های آن‌ها را بر روی حقایق عالم باز می‌کرد. ده سال هم پیغمبر این‌گونه و با این روش حرکت کرد.
بسته معنایی	پیامبر اسلام به مردم علاوه بر علم و دانش، حکمت نیز می‌آموخت.
کد	۱۳

جدول شماره ۱۴

تاریخ	۱۳۸۵/۵/۳۱
عنوان	بیانات در دیدار کارگزاران نظام، سفرای کشورهای اسلامی و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی به مناسبت روز مبعث پیامبر اعظم (ص)
متن	پیغمبر به یکایک ذهن‌ها و خرده‌ها، دانش و علم را تلقین می‌کرد. ﴿وَيَعْلَمُهمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ (بقره: ۱۲۹/۲). حکمت یک مرتبه بالاتر است. فقط این نبود که قوانین و مقررات و احکام را به آن‌ها بیاموزد، بلکه حکمت به آن‌ها می‌آموخت. چشم‌های آن‌ها را بر روی حقایق عالم باز می‌کرد. ده سال هم پیغمبر این‌گونه و با این روش حرکت کرد.
بسته معنایی	حکمت از علم بالاتر است. حکمت یعنی باز کردن چشم‌های افراد به روی حقایق عالم.
کد	۱۴

جدول شماره ۱۵

تاریخ	۱۳۸۷/۲/۱۲
-------	-----------

عنوان	بیانات در دیدار معلمان استان فارس
متن	<p>امام بزرگوار ما حکیم بود. امام یک حکیم به معنای قرآنی بود. حکیم یعنی آن کسی که حقایقی را مشاهده می‌کند که از چشم‌های دیگران مغفول‌عنه است؛ پوشیده است. کلمات او، کلماتی ممکن است ساده به نظر بیاید، اما هرچه می‌شکافید، می‌بینید لایه‌ها و عمق‌های بیشتری دارد. امام این جور بود.</p> <p>و شما نگاه کنید به قرآن، آنجایی که حکمت به کار رفته است: ﴿ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ﴾ (اسراء: ۱۷ / ۳۹)، ببینید این‌ها چه است؟ می‌بینید به‌حسب ظاهر، توصیه‌های معمولی است. همین است که ما به همدیگر دائم می‌گوییم؛ اما هرچه می‌شکافید، می‌بینید عمقش زیاده‌تر است. فرض کنید احترام به پدر و مادر یکی از حکمت‌هاست. نمی‌شود برای احترام به پدر و مادر از لحاظ منافع و برکاتی که احترام به پدر و مادر دارد، برایش آخر پیدا کرد. هرچه آدم تعمق می‌کند در این مسأله، می‌بیند این مسأله هنوز عمیق‌تر است؛ حکمت این است.</p>
بسته معنایی	حکیم یعنی کسی که حقایقی را مشاهده می‌کند که از چشم‌های دیگران پوشیده است؛ و حضرت امام خمینی (ره) یک حکیم قرآنی بود.
کد	۱۵

جدول شماره ۱۶

تاریخ	۱۳۸۹/۴/۲
عنوان	بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاه‌ها
متن	<p>یک جمله در باب بسیج عرض بکنیم. بسیج یک حرکت عجیب و بی‌نظیر بود که در انقلاب اتفاق افتاد. این هم برخاسته و سرچشمه گرفته از آن سرچشمه حکمت الهی‌ای بود که خدای متعال در دل آن مرد بزرگ -آن امام بزرگوار- به ودیعه گذاشته بود. امام حکیم بود؛ حکیم به معنای واقعی. ما گاهی تعبیر حکیم را برای آدم‌های کوچک به کار می‌بریم؛ لکن او به معنای واقعی کلمه حکیم بود ﴿...وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا...﴾ (بقره: ۲ / ۲۶۹)؛ خدای متعال به او حکمت داده بود. از دل او یک حقایقی سرریز می‌شد و سرازیر می‌شد؛ از جمله، همین مسأله بسیج بود؛ که امام از روز اول پیروزی یا</p>

حتی قُبیل پیروزی با کشاندن مردم به عرصه، با گذاشتن بار حرکت به دوش مردم، با اعتماد به مردم، پایه بسیج را گذاشت. به مردم اعتماد کرد.	
حکیم کسی است که از دل او یک سری حقایق سرازیر می‌شود. فرد حکیم می‌تواند کارهایی انجام دهد که آن کار باعث خیروبرکت شود.	بسته معنایی
۱۶	کد

جدول شماره ۱۷: جمع‌بندی حکمت قرآنی در اندیشه مقام معظم رهبری

ردیف	نشانه‌ها (کدها)	مفاهیم	مقولات
۱	۱	حکمت، آن بینشی است که فرد می‌تواند حقایق را ماورای غشای مادی آن ببیند و امام خمینی (ره) نمونه‌ای از فرد حکیم قرآنی بود.	حکمت قرآنی نوعی
	۲	حکیم در قرآن با حکیم به معنای مصطلح آن یعنی فیلسوف متفاوت است.	پیش است که فرد می‌تواند حقایق را ببیند و حکمت در قرآن با
	۳	حکمت، نوعی بصیرت است که فرد می‌تواند حقایق را ببیند و امام خمینی (ره) نمونه‌ای از فرد حکیم قرآنی بود.	اصطلاح فلسفی فرق می‌کند. وقتی فردی دارای این نوع پیش شد،
	۴	حکیم، یعنی آن کسی که ماورای این ظواهر، چیزهایی را مشاهده می‌کند که چشم‌های عادی و معمولی، از دیدن آن عاجزند؛ و همان حکمتی که قرآن درباره لقمان و سایر پیامبران می‌گوید، به معنای	اندیشه او مستحکم می‌شود و کلام او بر مبانی صحیح است. لذا چنین بیانی محکم نیز هست.

	واقعی در حضرت امام خمینی (ره) بود.		
	حکمت یعنی کلامی که مبتنی بر مبانی صحیح، عقلانی، متقن و متکی به مدارک باشد؛ و به عبارتی یعنی حرف درست، با ساختار تبیینی دارای اتقان.	۶	
	مقصود از حکمت، اندیشه مستحکم است.	۷	
	مقصود از سخن حکمت‌آمیز، یعنی سخن محکم، سخن غیرمشتبه، سخن غیرموهون و غیرضعیف.	۱۱	
	حکیم یعنی کسی که حقایق را مشاهده می‌کند که از چشم‌های دیگران پوشیده است؛ و حضرت امام خمینی (ره) یک حکیم قرآنی بود.	۱۵	
حکمت آن‌قدر اهمیت دارد که از علم نیز بالاتر است.	پیامبر اسلام به مردم علاوه بر علم و دانش، حکمت نیز می‌آموخت.	۱۳	۲
	حکمت از علم بالاتر است.	۱۴	
حکمت شامل بندگان برگزیده و صالح می‌شود.	حکمت شامل بندگان برگزیده و صالح می‌شود.	۸	۳
از جمله آثار حکمت این است که کارهای فرد دارای خیروبرکت است.	حکیم کسی است که از دل او یک سری حقایق سرازیر می‌شود. فرد	۱۶	۴

	حکیم می‌تواند کارهایی انجام دهد که آن کار باعث خیر و برکت شود.		
یکی از روش‌های تبلیغ دین اسلام از طریق بیان حکیمانه است و این امر موجب ناکامی استکبار می‌شود.	حکمت یکی از پایه‌های پیشرفت دعوت است. و مبلغ اسلام باید کلام حکیمانه بگوید.	۵	۵
	یکی از شرایط ناکامی و ناتوانی استکبار، دعوت به دین بر اساس حکمت است.	۹	
	روش تبلیغ دین باید بر اساس حکمت باشد. (سخن حکمت‌آمیز، یعنی سخن محکم، سخن غیرمشتبه، سخن غیرموهون و غیرضعیف).	۱۰	
	دعوت پیامبر اسلام همراه با حکمت بوده است و اساساً دعوت اسلامی در حقیقت، گسترش و پراکندن حکمت در سراسر عالم و در طول تاریخ است.	۱۲	

با توجه به توضیحات فوق می‌توان گفت رهبر معظم انقلاب اسلامی با استناد به آیات قرآن کریم معتقد است حکمت «نوعی بینش است که فرد می‌تواند حقایق را ببیند. وقتی فردی دارای چنین بینشی شد، اندیشه او مستحکم می‌شود و کلام او بر مبانی صحیح است. لذا چنین بیانی محکم نیز هست».

در ادامه، حکمت در سیاست خارجی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای تبیین و تحلیل می‌شود.

۵-۲- اصل حکمت در سیاست خارجی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

از دیدگاه رهبر انقلاب، حکمت در سیاست خارجی، یعنی سخن و عمل سنجیده منطبق با خرد به همراه در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۴/۱۸) و عمل نکردن بر اساس احساسات و بی‌توجه نبودن به منافع و شرایط لازم و بهره‌هایی که باید از رابطه با دنیا گرفت (همو، ۱۳۶۸/۱۱/۹).

آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است در سیاست خارجی همه کارها باید حکیمانه باشد و حکیمانه عمل کردن علاوه بر اینکه شامل گفت‌وگوها و مذاکرات می‌شود شامل عمل نیز می‌شود: «در سیاست خارجی همه کارها باید حکیمانه و سنجیده باشد. هیچ‌گونه نسنجیدگی را نباید در اظهارات دیپلماتیک و هر آنچه که مربوط به سیاست خارجی و ارتباطات جهانی است، راه داد. حکیمانه عمل کردن فقط در حرف زدن نیست بلکه باید در معاشرت‌ها و برخوردها نیز این اصل را رعایت کرد.» (همو، ۱۳۷۰/۴/۱۸)

یکی از نکاتی که ایشان در رابطه با اصل حکمت بیان می‌کند و بسیار حائز اهمیت است چگونگی نقش حکمت در حفظ ارزش‌های معنوی در کار دیپلماسی است. ایشان در این باب می‌گوید:

«اینکه ما تصور کنیم اگر ارزش‌های معنوی را ملاک قرار دادیم، کار دیپلماسی به بن‌بست خواهد خورد، غلط است؛ به بن‌بست نمی‌خورد. می‌توان با حفظ همین ارزش‌ها، با پای فشاری بر همین ارزش‌ها، در عرصه‌ی دیپلماسی وارد شد، فعال شد، تلاش کرد، منطق را حاکم کرد و طرف‌ها را رفته‌رفته و به تدریج به مواضع خود نزدیک کرد. اینکه گفتیم «عزت، حکمت، مصلحت»، حکمت این است. حکمت این است که شما بتوانید مواضع طرف مقابل را حکیمانه به مواضع خودتان نزدیک کنید.» (همو، ۱۳۹۰/۱۰/۷)

کار حکیمانه در سیاست خارجی بسیار حائز اهمیت است و مسئولان و کارکنان وزارت امور خارجه باید نهایت تلاش خود را برای سرلوحه قرار دادن این اصل در امور خود مدنظر قرار دهند؛ زیرا

اولاً: این اصل در کنار اصول «عزت» و «مصلحت» جزو اصول محوری و ثابتی است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس منویات مقام معظم رهبری، بر آنها بنا نهاده شده و ایشان در پیام‌ها و بیانات متعدد و ابلاغ برنامه‌های کلان کشور بر رعایت این سه اصل تأکید ویژه‌ای کردند؛ از جمله در ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه دوم توسعه (۱۳۷۲/۸/۱۸)، پیام به کنگره عظیم حج (۱۳۷۷/۱/۱۲)، پیام به رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام برای رسیدگی به موارد

پیشنهادی دولت (۱۳۷۸/۱/۱۹)، ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله سوم (۱۳۷۸/۲/۳۰)، سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ (۱۳۸۲/۸/۱۲).

ثانیاً: ضرر کار نسنجیده در سیاست خارجی، با ضرر کار نسنجیده در دیگر وزارتخانه‌ها فرق می‌کند. ضرر کار نسنجیده در اینجا، عمیق‌تر، عمومی‌تر و چشمگیرتر است (همو، ۱۳۷۰/۴/۱۸). بنابراین، با توجه به اهمیت این وزارتخانه، همه کارهای آن باید از روی حکمت صورت گیرد و جوانب هر کاری باید خوب سنجیده شود و بعد انجام گیرد.

شایان ذکر است اگر گفته می‌شود اصل حکمت، یکی از سه ضلع مثلث سیاست خارجی است و مسئولان سیاست خارجی باید این اصل را در تمام امور مدنظر قرار دهند به خاطر ریشه داشتن این اصل در سیره پیامبر اکرم (ص) است. به‌عنوان نمونه می‌توان به صلح حدیبیه اشاره کرد (همو، ۱۳۶۸/۱۱/۹). رسول اکرم (ص) در حدیبیه با توجه به شرایطی که وجود داشت، با کفار قریش قرارداد بست؛ در واقع پیامبر اسلام شرایط مکه، کفار قریش و مسلمانان را سنجید و با توجه به این عوامل، با کفار قریش قرارداد بست که مشهور به صلح حدیبیه شد.

در مقام جمع‌بندی باید گفت اصل حکمت در سیاست خارجی در اندیشه مقام معظم رهبری، یعنی سخن و عمل سنجیده منطبق با خرد به همراه در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان. این اصل در کنار اصول «عزت» و «مصلحت» از اصول مهم در سیاست خارجی است که همواره باید مدنظر مسئولان قرار گیرد.

۵-۳- شبکه معنایی حکمت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

همان‌طور که در قسمت حکمت قرآنی در اندیشه مقام معظم رهبری بیان شد، حکمت «نوعی بینش است که فرد می‌تواند حقایق را ببیند. وقتی فردی دارای چنین بینشی شد، اندیشه او مستحکم می‌شود و کلام او بر مبانی صحیح استوار است؛ لذا چنین بیانی محکم نیز هست». در قسمت اصل حکمت در سیاست خارجی در اندیشه مقام معظم رهبری نیز به این نتیجه رسیدیم که حکمت در سیاست خارجی به این معناست: «سخن و عمل سنجیده منطبق با خرد به همراه در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان و عمل نکردن بر اساس احساسات و بی‌توجه نبودن به منافع و شرایط لازم و بهره‌هایی که باید از رابطه با دنیا گرفت».

با بررسی این دو تعریف می‌توان گفت حکمت در سیاست خارجی جدا از حکمت قرآنی در دیدگاه ایشان نیست؛ زیرا کسی که بهره‌ای از حکمت قرآنی داشته باشد، اندیشه او مستحکم می‌شود و چنین کسی در سیاست خارجی بر اساس خرد عمل می‌کند نه بر اساس احساسات.

همچنین فرد حکیم (از نظر قرآن) حقایق عالم را درک می‌کند و به مصالح و منافع آگاه است و مسلماً چنین کسی در سیاست خارجی به منافع و شرایط لازم و بهره‌هایی که باید از رابطه با دنیا گرفت، آگاه است.

۶- بازشناسی معنای حکمت در قرآن

پس از بررسی حکمت قرآنی و حکمت در سیاست خارجی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، در این بخش، معنای استخراج شده از منظر ایشان، در قرآن کریم پی‌جویی می‌شود. واژه حکمت و مشتقات آن ۲۰ بار در قرآن کریم به کار رفته که می‌توان به صورت‌های **﴿الْحِكْمَةَ﴾** (۱۶ بار)، **﴿بِالْحِكْمَةِ﴾** (۲ بار) و **﴿حِكْمَةً﴾** (۲ بار) اشاره کرد. چنانکه در معنای لغوی حکمت اشاره شد، قرشی نیز حکمت را یک حالت و خصیصه درک و تشخیص می‌داند که شخص به وسیله آن می‌تواند حق و واقعیت را درک کند و در واقع حکمت را حالت نفسانی و صفت روحی می‌داند. بنابراین از آنجاکه درصدد استنباط حکمت به معنای اندیشه مستحکم و حالت نفسانی زمینه‌ساز درک حقایق هستیم، صرفاً کاربردهایی از حکمت را بررسی می‌کنیم که به این معنا نزدیک باشند، لذا واژگانی همچون **﴿حُكْم﴾**^۱، **﴿الْحُكْم﴾**^۲، **﴿حَكِيم﴾**^۳، **﴿الْحَكِيم﴾**^۴ بررسی نمی‌شوند؛ شایان ذکر است از میان ۲۰ کاربرد واژه حکمت در قرآن، فقط پنج کاربرد آن در چهار آیه، اشاره به معنای «اندیشه مستحکم و حالت نفسانی زمینه‌ساز درک حقایق» دارد و بقیه موارد اشاره به معانی دیگری دارد. به‌عنوان نمونه آیات ۲۳-۳۹ سوره اسراء اشاره به مجموعه دستورات اخلاقی - دینی دارد و حکمت به این مجموعه دستورات اطلاق شده است^۵ (ر.ک. جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۹۴). در ادامه، چهار آیه مورد نظر در قرآن کریم بررسی می‌شود.

۱. در آیات ۴۳ مائده و ۱۰ ممتحنه به کار رفته است.

۲. ۱۰ بار در قرآن به کار رفته است.

۳. ۳۹ بار در قرآن به کار رفته است.

۴. ۴۲ بار در قرآن به کار رفته است.

۵. از جمله مسائلی که در این آیات ذکر شده عبارت‌اند از: نیکی به پدر و مادر، نیاززدن آنان، ادای حقوق خویشاوندان و مساکین و درراه‌ماندگان، پرهیز از اسراف و بخل، اجتناب از زنا و کشتن نفوس محترم، مراعات یتیمان و ...

جدول شماره ۱۸: کاربردهای واژه حکمت در قرآن

الحِکْمَةُ	بقره: ۲/ ۲۵۱	بقره: ۲/ ۲۶۹ (دو بار)	لقمان: ۳۱/ ۱۲	ص: ۳۸/ ۲۰
------------	--------------	-----------------------	---------------	-----------

جدول شماره ۱۹: ساخت معنایی آیه ۲۵۱ بقره

شناسه	بقره: ۲/ ۲۵۱
متن	﴿فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ...﴾
ترجمه	سپس به فرمان خدا، آن‌ها سپاه دشمن را به هزیمت واداشتند. و «داود» (نوجوان نیرومند و شجاعی که در لشکر «طالوت» بود)، «جالوت» را کشت؛ و خداوند، حکومت و دانش را به او بخشید و از آنچه می‌خواست به او تعلیم داد... .
تفسیر	﴿آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ...﴾ این تعبیر ممکن است اشاره به علم تدبیر کشورداری و ساختن زره و وسایل جنگی و مانند آن باشد که داود (ع) در حکومت بسیار عظیم خود به آن نیاز داشت زیرا خداوند هر مقامی را که به کسی می‌سپارد آمادگی‌های لازم را نیز به او می‌بخشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۴۷). اگر بخواهیم توصیف داود به حکمت را با دیگر ویژگی‌های مطرح‌شده‌اش در قرآن توضیح دهیم چند ویژگی با مفهوم حکمت مرتبط است: نخست آنچه در حوزه تعلیم و تربیت قرار می‌گیرد و به معنای حکمت (با توجه به سایر کاربردهای حکمت در قرآن کریم) نیز می‌تواند مرتبط باشد، محتوای کتاب مزامیر موجود در عهد عتیق است که اگر آن را با زبور مذکور در قرآن (نساء: ۴/ ۱۶۳؛ اسراء: ۱۷/ ۵۵) یکسان یا دارای هویت کلی مشترکی بدانیم، آن را در تقسیم‌بندی چهارگانه عهد عتیق به تورات، کتب پیامبران، کتب کاتبان و کتب حکمت در کنار کتبی مثل سفر ایوب، امثال سلیمان، غزل غزل‌ها، جامعه و... در رده کتب حکمت قرار داده است. و نکته دوم توصیف داود به داشتن منصب حکومت و قضاوت (ملک و فصل الخطاب) است که مستلزم مهارت سیاسی - اجتماعی

<p>خاص است که می‌تواند به‌مثابه حکمت تعریف شود (نک: دهقان و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۲۱).</p> <p>حکمت به معنای مهارت سیاسی - اجتماعی برای منصب حکومت و قضاوت همان علم تدبیر کشورداری است که آیت‌الله مکارم شیرازی به آن اشاره نمود؛ این معنا از حکمت اشاره به همان معنایی دارد که قرشی در معنای حکمت گفته و در معنای لغوی حکمت بدان اشاره شد. (قرشی حکمت را یک حالت و خصیصه درک و تشخیص می‌داند که شخص به‌وسیله آن می‌تواند حق و واقعیت را درک کند و درواقع حکمت را حالت نفسانی و صفت روحی می‌داند).</p>	
<p>حکمت به معنای مهارت سیاسی - اجتماعی برای منصب حکومت و قضاوت است و خداوند آن را به بندگان خاص خود می‌دهد.</p>	<p>بسته معنایی</p>
<p>۱</p>	<p>کد</p>

جدول شماره ۲۰: ساخت معنایی آیه ۲۶۹ بقره

<p>بقره: ۲ / ۲۶۹</p>	<p>شناسه</p>
<p>﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾</p>	<p>متن</p>
<p>(خدا) دانش و حکمت را به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می‌دهد؛ و به هر کس دانش داده شود خیر فراوانی داده شده است. و جز خردمندان (این حقایق را درک نمی‌کنند، و) متذکر نمی‌گردند.</p>	<p>ترجمه</p>
<p>حکمت عبارت است از قضایای حقه‌ای که مطابق با واقع باشد، یعنی به نحوی مشتمل بر سعادت بشر باشد، مثلاً معارف حقه الهیه درباره مبدأ و معاد باشد و یا اگر مشتمل بر معارفی از حقایق عالم طبیعی است معارفی باشد که باز با سعادت انسان سروکار داشته باشد، مانند حقایق فطری که اساس تشریعات دینی را تشکیل می‌دهد.</p> <p>«حکمت خیر کثیر است» باینکه جا داشت به خاطر ارتفاع شأن و نفاست^۱ امر آن به‌طور مطلق فرموده باشد «حکمت خیر است» و این به آن جهت</p>	<p>تفسیر</p>

<p>بود که بفهماند خیر بودن حکمت هم منوط به عنایت خدا و توفیق اوست و مسأله سعادت منوط به عاقبت و خاتمه امر است. آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه به دست آوردن حکمت متوقف بر تذکر است، و تذکر هم متوقف بر عقل است، پس کسی که عقل ندارد حکمت ندارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، صص ۳۹۵-۳۹۶).</p>	
<p>حکمت خیر کثیر است.</p>	<p>بسته معنایی</p>
<p>۲</p>	<p>کد</p>

جدول شماره ۲۱: ساخت معنایی آیه ۱۲ لقمان

<p>لقمان: ۱۲/۳۱</p>	<p>شناسه</p>
<p>﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَ مَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾</p>	<p>متن</p>
<p>ما به لقمان حکمت دادیم؛ (و به او گفتیم:) شکر خدا را بجای آور هر کس شکرگزاری کند، تنها به سود خویش شکر کرده؛ و آن کس که کفران کند، (زیانی به خدا نمی‌رساند)؛ چراکه خداوند بی‌نیاز و ستوده است.</p>	<p>ترجمه</p>
<p>بسیاری از مفسران معتقدند لقمان فرد حکیمی بوده اما پیامبر نبوده است (طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۷۵ / طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۴۹۳ / زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۲۱، ص ۱۴۵). حکمتی که قرآن از آن سخن می‌گوید و خداوند به لقمان عطا فرموده بود «مجموعه‌ای از معرفت و علم و اخلاق پاک و تقوا و نور هدایت» بوده است (ر.ک. مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۳۶).</p> <p>جمله ﴿أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ﴾ تفسیر حکمت دادن به لقمان است و می‌خواهد بفرماید حکمتی که به لقمان دادیم این بود که: «خدا را شکر بگزار»، چون شکر عبارت است از به کار بردن هر نعمتی در جای خودش، به طوری که نعمت ولی نعمت را بهتر وانمود کند، و به کار بردن نعمت به این نحو محتاج است به اینکه اول منعم، و سپس نعمت‌هایش بدان جهت که نعمت اوست شناخته شود، سپس کیفیت به کار بردن در محلش، آن‌طور که لطف و انعام او را بهتر وانمود کند شناخته گردد، پس حکمت دادن به</p>	<p>تفسیر</p>

لقمان، لقمان را وادار کرد تا این مراحل را در شکر طی کند، و در حقیقت حکمت دادن به او مستلزم امر به شکر نیز هست (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۲۱۵).	
حکمتی که خداوند به لقمان عطا فرموده بود «مجموعه‌ای از معرفت و علم و اخلاق پاک و تقوا و نور هدایت» بوده است. کسی که حکمت شاملش می‌شود باید شکرگزار خدا باشد.	بسته معنایی
۳	کد

جدول شماره ۲۲: ساخت معنایی آیه ۲۰ سوره ص

ص: ۲۰ / ۳۸	شناسه
﴿وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَأَتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصَّلَ الْخِطَابَ﴾	متن
و حکومت او را استحکام بخشیدیم، (هم) دانش به او دادیم و (هم) داوری عادلانه!	ترجمه
﴿وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ﴾ به معنای تقویت پادشاهی و حفظ آن از دشمن (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۳، ص ۱۲۹) و به معنای این است که خداوند جمیع آنچه را پادشاهان بدان نیاز دارند به داود (ع) عطا کرد (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۵۰). «حکمت» در اینجا به معنی علم و دانش و نیروی تدبیر امور کشور یا مقام نبوت و یا همه این‌هاست. حکمت گاه جنبه علمی دارد که از آن تعبیر به «معارف عالیه» می‌شود، و گاه جنبه عملی که از آن تعبیر به «اخلاق و عمل صالح» می‌گردد، و داود (ع) از همه این‌ها بهره‌وافر داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۹، ص ۲۴۰).	تفسیر
﴿فَصَّلَ الْخِطَابَ﴾ نیز به معنای داوری عادلانه و جدا کردن صحیح از فاسد و حق از باطل است (حوی، ۱۴۲۴، ج ۸، ص ۴۷۷۳) و بعضی از مفسران نیز با استفاده از حدیث رضوی ^۱ معتقدند این آیه می‌تواند دلالت بر این	

۱. عَنْ أَبِي الصَّلْتِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: «كَانَ الرُّضَا (ع) يُكَلِّمُ النَّاسَ بِلُغَاتِهِمْ وَكَانَ وَاللَّهِ أَفْصَحَ النَّاسِ وَأَعْلَمُهُمْ بِكُلِّ لِسَانٍ وَ لُغَةٍ فَقُلْتُ لَهُ يَوْمًا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي لَأَعْجَبُ مِنْ مَعْرِفَتِكَ بِهَذِهِ اللُّغَاتِ عَلَى اخْتِلَافِهَا فَقَالَ يَا أَبَا الصَّلْتِ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَتَّخِذَ حُجَّةً عَلَيَّ قَوْمٍ وَهُوَ لَا يَعْرِفُ لُغَاتِهِمْ أَوْ مَا بَلَغَكَ قَوْلُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) أَوْتَيْنَا فَصْلَ الْخِطَابِ فَهَلْ فَصَّلَ الْخِطَابَ إِلَّا مَعْرِفَةَ اللُّغَاتِ» (ابن بابويه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۲۸ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۶، ص ۱۹۰).

داشته باشد که داود (ع) می‌توانسته بین مخاطبانی که زبانشان مختلف بوده داوری کند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲۵، ص ۲۲۹).	
حکمت در اینجا به معنای علم و دانش و نیروی تدبیر امور کشور است و خداوند حکمت را به بندگان خاص خود می‌دهد.	بسته معنایی
۴	کد

جدول شماره ۲۳: جمع‌بندی معنای حکمت در قرآن

مقولات	مفاهیم	نشانه‌ها (کدها)	ردیف
حکمت به معنای مجموعه‌ای از معرفت و علم و نور هدایت است و مهارت تدبیر امور کشور نیز بخشی از این معرفت است.	حکمت به معنای مهارت سیاسی - اجتماعی برای منصب حکومت و قضاوت است (بقره: ۲/۲۵۱).	۱	۱
	حکمتی که خداوند به لقمان عطا فرموده بود «مجموعه‌ای از معرفت و علم و اخلاق پاک و تقوا و نور هدایت» بوده است (لقمان: ۳۱/۱۲).	۳	
	حکمت در اینجا به معنای علم و دانش و نیروی تدبیر امور کشور است (ص: ۳۸/۲۰).	۴	
حکمت شامل بندگان خاص الهی می‌شود.	خداوند حکمت را به بندگان خاص خود می‌دهد (بقره: ۲/۲۵۱).	۱	۲
	خداوند حکمت را به بندگان خاص خود می‌دهد (ص: ۳۸/۲۰).	۴	
وظیفه حکما	کسی که حکمت شاملش می‌شود باید شکرگزار خدا باشد (لقمان: ۳۱/۱۲).	۳	۳
از جمله آثار حکمت خیر کثیر است.	حکمت خیر کثیر است (بقره: ۲/۲۶۹).	۲	۴

با توجه به توضیحات یادشده، می‌توان استنباط کرد که در قرآن کریم از دو نوع حکمت سخن رفته است:

۱. حکمت به معنای «اندیشه مستحکم و حالت نفسانی که فرد می‌تواند حقایق را درک کند». حکمت به این معنا فقط در ۴ آیه (بقره: ۲/ ۲۵۱، ۲۶۹، لقمان: ۳۱/ ۱۲، ص: ۳۸/ ۲۰) به کار رفته که در بالا بررسی شد.
- این مفهوم گوهر نایابی است که خدای متعال تنها به بندگان خاصی عطا می‌کند. چنانکه در آیات پیشین بررسی شد، این نوع حکمت به حضرت داود (ع) (بقره: ۲/ ۲۵۱؛ ص: ۳۸/ ۲۰) و لقمان (لقمان: ۳۱/ ۱۲) اعطا گردید. در این پژوهش این نوع حکمت بررسی شد.
۲. حکمت به معنای «مجموعه تعالیم الهی که حجم عمده این تعالیم را توصیه اخلاقی تشکیل می‌دهد». این مفهوم مجموعه آموزه‌هایی است که از سوی خدای حکیم و کسانیکه گوهر حکمت را بدانان بخشیده برای هدایت عموم مردم صادر می‌شود. به‌عنوان نمونه می‌توان به آیات ۲۳-۳۹ سوره اسراء اشاره کرد که حکمت به مجموعه دستورات اخلاقی-دینی اطلاق شده است؛ شایان ذکر است با توجه به توضیحات یادشده، می‌توان گفت منظور از حکمت در قرآن کریم، فلسفه مصطلح نیست و اختصاص حکمت به علم فلسفه، نوعی اصطلاح است (ر.ک. جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۲، ص ۴۳۳).

نتیجه‌گیری

۱. در تحلیل حکمت قرآنی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای مقوله‌های ذیل استخراج گردید:
 - ۱-۱. حکمت قرآنی نوعی بینش است که فرد می‌تواند حقایق را ببیند و حکمت در قرآن با اصطلاح فلسفی فرق می‌کند. وقتی فردی دارای این نوع بینش شد، اندیشه او مستحکم می‌شود و کلام او بر مبانی صحیح استوار است. لذا چنین بیانی محکم نیز هست.
 - ۲-۱. حکمت آن‌قدر اهمیت دارد که از علم نیز بالاتر است.
 - ۳-۱. حکمت شامل بندگان برگزیده و صالح می‌شود.
 - ۴-۱. از جمله آثار حکمت این است که کارهای فرد دارای خیر و برکت است.
 - ۵-۱. یکی از روش‌های تبلیغ دین اسلام بیان حکیمانه است و این امر موجب ناکامی استکبار می‌شود.

۲. حکمت در سیاست خارجی به این معناست: «سخن و عمل سنجیده منطبق با خرد به همراه در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان و عمل نکردن بر اساس احساسات و بی‌توجه نبودن به منافع و شرایط لازم و بهره‌هایی که باید از رابطه با دنیا گرفت».
۳. با بررسی و مقایسه حکمت قرآنی و حکمت در سیاست خارجی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان گفت: حکمت در سیاست خارجی جدای از حکمت قرآنی نیست؛ زیرا کسی که بهره‌ای از حکمت قرآنی داشته باشد، اندیشه او مستحکم می‌شود و چنین کسی در سیاست خارجی بر اساس خرد عمل می‌کند نه بر اساس احساسات. همچنین فرد حکیم (از نظر قرآن) حقایق عالم را درک می‌کند و به مصالح و منافع آگاه است و مسلماً چنین کسی در سیاست خارجی به منافع و شرایط لازم و بهره‌هایی که باید از رابطه با دنیا گرفت، آگاه است.
۴. با توجه به بازشناسی حکمت در قرآن کریم مشخص گردید معنای استخراج شده در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای با معنای حکمت در قرآن کریم تناظر دارد و از میان ۲۰ کاربرد واژه حکمت در قرآن، پنج کاربرد آن در چهار آیه، اشاره به معنای «اندیشه مستحکم و حالت نفسانی زمینه‌ساز درک حقایق توسط فرد» دارد و بقیه موارد، اشاره به معانی دیگری دارد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم؛ ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی؛ *عیون اخبار الرضا (ع)*؛ تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ش.
 ۲. ابن عاشور، محمد طاهر؛ *تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور*؛ بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
 ۳. ابن فارس، احمد بن فارس؛ *معجم مقاییس اللغة*؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
 ۴. ابن کنیر، اسماعیل بن عمر؛ *تفسیر القرآن العظیم*؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ ق.
 ۵. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*؛ بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
 ۶. ایزوتسو، توشیهیکو؛ *خدا و انسان در قرآن؛ معناشناسی جهان بینی قرآنی*؛ ترجمه: احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
 ۷. باردن، لورنس؛ *تحلیل محتوا*؛ ترجمه: ملیحه آشتیانی، محمد بنی دوزی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵ ش.
 ۸. جوادی آملی، عبدالله؛ *تفسیر تسنیم*؛ قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۸ ش.
 ۹. حقیقت، سید صادق؛ *مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی*؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
 ۱۰. حوی، سعید؛ *الاساس فی التفسیر*؛ قاهره: دار السلام، ۱۴۲۴ ق.
 ۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی، رهبر جمهوری اسلامی ایران؛ *بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاهها؛ نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۸۹ / ۴ / ۲*.
 ۱۲. _____؛ *بیانات در دیدار با علما و روحانیون در آستانه ماه مبارک رمضان؛ نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۷۶ / ۱۰ / ۳*.
 ۱۳. _____؛ *بیانات در دیدار با فرماندهان عالی رتبه نیروهای نظامی و انتظامی، و اعطای آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح به رئیس ستاد فرماندهی کل قوا؛ نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۶۹ / ۱۰ / ۲۲*.
 ۱۴. _____؛ *بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان، در آستانه «ماه محرم»؛ نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۷۵ / ۲ / ۲۶*.
 ۱۵. _____؛ *بیانات در دیدار سفرا و رؤسای نمایندگی های سیاسی ایران در خارج از کشور؛ نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۹۰ / ۱۰ / ۷*.

۱۶. _____؛ بیانات در دیدار مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی سراسر کشور؛ نرم‌افزار حدیث ولایت، ۱۳۷۲/۲/۶.
۱۷. _____؛ بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت عید سعید مبعث؛ نرم‌افزار حدیث ولایت، ۱۳۸۰/۷/۲۳.
۱۸. _____؛ بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کارگزاران نظام، سفرای کشورهای اسلامی و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی به مناسبت روز مبعث پیامبر اعظم (ص)؛ نرم‌افزار حدیث ولایت، ۱۳۸۵/۵/۳۱.
۱۹. _____؛ بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار معلمان استان فارس؛ نرم‌افزار حدیث ولایت، ۱۳۸۷/۲/۱۲.
۲۰. _____؛ پیام به حجاج بیت‌الله الحرام؛ نرم‌افزار حدیث ولایت، ۱۳۷۷/۱/۱۲.
۲۱. _____؛ پیام به ریاست محترم جمهوری در خصوص سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله سوم؛ نرم‌افزار حدیث ولایت، ۱۳۷۸/۲/۳۰.
۲۲. _____؛ پیام به رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام برای رسیدگی به موارد پیشنهادی دولت؛ نرم‌افزار حدیث ولایت، ۱۳۷۸/۱/۱۹.
۲۳. _____؛ دیدار مسئولان وزارت امور خارجه؛ نرم‌افزار حدیث ولایت، ۱۳۷۰/۴/۱۸.
۲۴. _____؛ سخنرانی در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و رؤسای دفاتر نمایندگی ولی‌فقیه در این نهاد؛ نرم‌افزار حدیث ولایت، ۱۳۶۹/۶/۲۹.
۲۵. _____؛ سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران به همراه حجت‌الاسلام و المسلمین حاج سید احمد خمینی؛ نرم‌افزار حدیث ولایت، ۱۳۶۹/۹/۱۴.
۲۶. _____؛ سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، در آستانه یازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران؛ نرم‌افزار حدیث ولایت، ۱۳۶۸/۱۱/۹.
۲۷. _____؛ سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴؛ نرم‌افزار حدیث ولایت، ۱۳۸۲/۸/۱۲.
۲۸. _____؛ نامه به حجة‌الاسلام و المسلمین آقای هاشمی رفسنجانی جهت تعیین چارچوب سیاست‌های نظام در برنامه دوم؛ نرم‌افزار حدیث ولایت، ۱۳۷۲/۸/۱۸.
۲۹. دهقان، علی و دیگران؛ «پی‌جویی مؤلفه‌های مفهوم جهانی حکمت در مفهوم قرآنی آن»؛ کتاب قیم، ش ۱۸، ۱۳۹۷ ش.

۳۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ *المفردات فی غریب القرآن*؛ دمشق: دار العلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۳۱. رفیع پور، فرامرز؛ *تکنیک های خاص تحقیق در علوم اجتماعی*؛ تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴ ش.
۳۲. زحیلی، وهبة؛ *التفسیر المنیر فی العقیة والشریعة والمنهج*؛ دمشق: دار الفکر، ۱۴۱۱ ق.
۳۳. صادقی تهرانی، محمد؛ *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة*؛ قم: فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۳۴. صفوی، کوروش؛ *درآمدی بر معنی شناسی*؛ تهران: حوزه هنری، ۱۳۷۹ ش.
۳۵. طباطبایی، سید محمدحسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۳۶. طهرسی، فضل بن حسن؛ *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*؛ تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۳۷. طوسی، محمد بن حسن؛ *التبیان فی تفسیر القرآن*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۸. عبدالحالق، فرید؛ *فی الفقه السیاسی الاسلامی*؛ قاهرة: دار الشروق، ۱۹۹۸ م.
۳۹. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ *کتاب العین*؛ قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۴۰. قرشی بنابی، سید علی اکبر؛ *قاموس قرآن*؛ تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ش.
۴۱. کاظمی، علی اصغر؛ *روابط بین الملل در تئوری و در عمل*؛ تهران: نشر قومس، ۱۳۷۲ ش.
۴۲. کرمانی، سعید؛ *معنی شناسی عقل در قرآن کریم با تکیه بر نظریه حوزه های معنایی*؛ تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱ ش.
۴۳. کریپندورف، کلوس؛ *تحلیل محتوا: مبانی روش شناسی*؛ ترجمه: هوشنگ نایبی، تهران: روش، ۱۳۷۸ ش.
۴۴. مجلسی، محمدباقر؛ *بجاء الانوار*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۴۵. محمدی، منوچهر؛ *اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶ ش.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر؛ *تفسیر نمونه*؛ تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ش.

47. Plano, Jack C, Roy Dilton; *The International Relations Dictionary*; USA: Longman, 1988.